

مقاله



| علی قره داغلی – ۵ خرداد ۱۴۰۱ |
مناقشه
<https://t.me/qaradaghli>

با وحدت ملاک از ماده ۱۳۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت که اذعان دارد مدیران شرکت تا زمان انتخاب مدیران جدید کماکان مسؤول امور شرکت و اداره آن می‌باشند و توجه به‌ این موضوع که هیأت

ترک تشریفات اولیه شرکت‌های دولتی (که یک مسیر اوزرآنسی برای انجام معاملات در جهت عدم توقف فعالیت‌های شرکت می‌باشد) نقطه حساس مدیریتی برای بقای فعالیت شرکت‌هاست پس به نوعی این

فرد در حکم یکی از مدیران شرکت است که از سوی مجمع انتخاب می‌شود؛ لذا باید قائل بود که فرد انتخاب شده تا تعیین نفر بعدی صالح به حضور در هیأت ترک تشریفات می‌باشد.

اگر مدت شخص تعیین شده از سوی مجمع منقضی شده باشد تشکیل هیأت ترک تشریفات مزبور، چگونه خواهد شد؟

دو فصلنامه علمی پژوهشی نامه حقوق اسلامی،

مقاله پژوهشی، سال بیست و یکم، شماره دوم

(پیاپی ۵۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تحلیلی بر مفهوم نهادهای انقلابی در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران

قسمت اول

| ولی رستمی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

| حسین محمدی احمدآبادی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

| میلاد قطبی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

چکیده

انقلاب اسلامی از منظرهای گوناگون بر جامعه ایران تأثیر گذاشته است و یکی از عرصه‌هایی که اثرپذیری عمده‌ای داشته، نظام حقوقی منبعت از آن می‌باشد. نمونه بارز مسأله، پیدایش نهادهایی موسوم به "نهادهای انقلابی" است که در بسیاری از قوانین و مقررات جاری در نظام جمهوری اسلامی ایران درج و منشا اثرات حقوقی گردیده است. حقوق‌دانان در مورد تعریف، ماهیت، مصادیق و ضرورت ایجاد و استمرار وجود چنین نهادهایی هیچ‌گاه اظهارنظر دقیق و مشخصی ارائه نکرده‌اند. نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی به این گزاره می‌رسد که به صورت کلی یک نهاد در عمومیت را مدنظر ندارد و هنگامی که از تعبیر نهادهای انقلابی بهره گرفته، مقصود آن نهادهای خرد و اجرایی کشور هستند که غالباً ماهیت عمومی غیردولتی دارند و در برخی مصادیق نیز مؤسسه دولتی هستند.

شایان ذکر است؛ در حال حاضر با وجود مأموریت‌های مشابه این نهادها و موازی‌کاری آن‌ها در عمل و تورم ساختاری متعاقب آن، بازآرایی چنین نهادهایی امری گریزناپذیر خواهد بود.

این نهادان و طرحی نو می‌افکنند؛ و با تلفیقی از آموزه‌های دودوره با توجه به مبانی گوناگون آن ارائه می‌دانند.

به نظر می‌رسد تحولات ساختاری ناشی از انقلاب اسلامی در نظام حقوقی از دو جنبه قابل ارائه هستند؛ نخست نهادهایی که پیش از انقلاب اسلامی وجود نداشتند و بنا بر اقتضای شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأسیس شدند و دوم نهادهایی که پیش از انقلاب وجود داشتند ولی با شرایط جدید تغییر بنیادین یافتند (ویژه، ۱۳۸۹، ص. ۷۲). در این‌ میان تأسیس برخی از نهادها و سازمان‌ها نیز از اولویت‌های کشور به شمار آمده و در دستور کار قرار گرفت. به عبارتی در آن برهه حساس پس از انقلاب، ضرورت وجود تشکیلاتی با عنوان "نهادهای انقلابی" در جهت پاسداری از انقلاب اسلامی و محقق ساختن اهداف آن احساس می‌شد که وجود آن‌ها را می‌توان پاسخی به مقتضیات و نیازهای انقلاب و از ملزومات اداره کشور دانست.

تعبیر نهادهای انقلابی اولین بار در سال ۱۳۵۸ و ضمن "لایحه قانونی الحاقی به لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی"، توسط شورای انقلاب به کار گرفته شد. اما اولین اقدام در خصوص تعیین جایگاه قانونی نهادهای انقلاب اسلامی در، ساختار اجرایی و مدیریتی کشور مصوبه شورای انقلاب بود (حسینی‌پور اردکانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۸). مطابق این مصوبه که در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵ در شورای مذکور تصویب شد کارکنان نهادهای انقلابی از قبیل جهاد سازندگی، بنیاد شهید، نهفت سوادآموزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از شمول مقررات قانون

کار مستثنی شدند. در تبصره ذیل این ماده واجده^۱ آمده است که "نهادهای انقلاب به ارگان‌هایی اطلاق می‌گردد که بنا به نیاز دوران بعداز انقلاب ایران، با تصویب مراجع قانون‌گذاری به‌ وجود آمده باشند". متعاقباً در سال ۱۳۶۴ قانون^۲ "احساب سوابق مستخدمین وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و مأموریت کارکنان مذکور در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی" به تصویب رسید که طبق ماده ۴، دولت مکلف شد ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون فهرست نهادهای انقلابی را تهیه و برای تصویب به مجلس تقدیم نماید.

مقتن در اراده لاحق خویش و به موجب لایحه شماره ۵۷۹۶۶ مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۱۲ که درخصوص ضوابط و اسامی نهادهای انقلاب اسلامی بوده و در جلسه علنی مورخ ۱۳۶۷/۲/۱۴ به تصویب رسیده بود، این نهادها را این‌گونه تعریف نمود؛ "منظور از نهادهای انقلاب اسلامی موضوع قانون احتساب سوابق خدمت مستخدمین، واحد سازمانی مشخصی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنابه فرمان ولی فقیه و یا به ابتکار و اراده مردم به صورت خودجوش ایجاد گردیده و سپس به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأیید رهبری، شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی قرار گرفته و یا در اجرای قانون اساسی بعد از انقلاب تأسیس گردیده باشند". اما مصوبه مزبور که جهت تأیید به شورای نگهبان ارسال شده بود، با ایراد مغایرت با اصل ۳ قانون اساسی (تبعیض نژاروا)، در ضمن عدم ذکر برخی از نهادهای انقلابی مورد تعریف شد؛ "نهادهای و مؤسساتی که در جریان تحقق انقلاب اسلامی و یا پس از آن بنا به ضرورت‌های انقلاب اسلامی به وجود آمده‌اند و تمام یا قسمتی از اعتبارات مورد نیاز خود را از محل اعتبارات منظور در قانون بودجه کل کشور مستقیماً از خزانه دریافت می‌نمایند..."

اما پس از گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و تصریح این عنوان در قوانین مختلف، به جز دو تعریف فوق که آن هم واجد ایراد به نظر می‌رسد، همچنان تعریف مشخص، جامع و مانعی از آن‌ها ارائه نشده و ماهیت و به تبع آن وضعیت حقوقی این نهادها مبهم است. این ابهام به حدی است که حقوق‌دانان مختلف نتوانسته‌اند این مفهوم را با مفاهیم مشابه همچون "نهادهای زیر نظر رهبری" تفکیک کرده و آن را مترادف ندانسته و از تعریف و تبیین ماهیت آن‌ها بازمانده‌اند (راسخ، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۶ و حسینی‌پور اردکانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۸). بر همین اساس ضروری است در خصوص این تعبیر پرتکرار و مبهم که منشأ برخی استثنائات و نهادسازی‌های حقوقی شده بررسی و تدقیق بیشتری صورت گیرد. مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال برآمده که مراد از "نهادهای انقلابی" چیست و این نهادها دارای چه ماهیتی هستند؟ و اساساً با توجه به عملکرد این نهادها، استمرار آن‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ضروری است یا خیر؟

لازم به ذکر است پژوهش‌های مرتبط با موضوع این تحقیق انگشت‌شمار بوده و پژوهش مستقلی در این زمینه نگاشته نشده است. دکتر غلامرضا مولاییگی در کتاب "صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (جهت مطالعه بیشتر رک: مولاییگی، ۱۳۹۵)" ذیل صلاحیت دیوان بسیار مجمل و مختصر به این موضوع اشاره کرده و مقاله "تحلیلی بر مفهوم نهادهای زیر نظر رهبری در نظام تقنینی ایران (جهت مطالعه بیشتر رک: رستمی و قطبی، ۱۳۹۳)" نیز صرفاً از حیث روشی به‌ این مکتوب شباهت دارد، هر چند اشار‌های به نهادهای انقلابی نداشته و متعرض آن نگردیده است. همچنین کتابی تحت عنوان "فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی" در مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده که تنها تمامی نهادهای تأسیس شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را به صورت فهرست‌وار ذکر کرده و هیچ بخشی در خصوص تعاریف و ماهیت حقوقی و چالش‌های موضوع نداشته است.

با این توضیحات و در راستای پاسخ به سؤالات تحقیق، در گام نخست به تعریف و تبیین معیارهای تشخیص نهادهای انقلابی پرداخته و سپس ماهیت قانونی این نهادها را مورد کاوش قرار خواهیم داد. در گام بعدی برخی مصادیق تبلور یافته در قوانین را ذکر کرده و به اصطلاح مرادمقتن از این نهادها می‌پردازیم. در پایان نیز نسبت سنجی آن با نهادهای زیر نظر رهبری، مطمحنظر قرار خواهد گرفت.

۱- تعریف و ملاک تشخیص نهادهای انقلابی

همان‌طور که اشاره گردید تاکنون تعریف جامع و مانعی از "نهادهای انقلابی" و مصادیق آن ارائه نگردیده اما به‌طور کلی می‌توان در این زمینه سه تعریف ارائه کرد؛ اول- نهادهای انقلابی نهادهایی هستند که در جهت "رفع نیازها و تثبیت و ترمیم نابه‌سامانی‌های جامعه ایران"، جلوگیری از اغتشاش‌ها و ناآرامی‌ها، گره‌گشایی از زندگی مردم و در جهت تعالی آن‌ها بوده و "پس از انقلاب اسلامی" شکل گرفته‌اند.

بر این اساس غایت مجموعه این نهادها رسیدگی سریع، کم‌هزینه و بی‌منت به مسائل و آلام برجای مانده از روزگار حاکمیت طاغوت و تلاش برای تحقق عدالت در شئون مختلف بوده است (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲ و رشیدی، ۱۳۹۵، ص. ۲). البته همه این نهادها در یک زمان مشخص تأسیس نشدند، بلکه هر کدام در طول حیات جمهوری اسلامی و بنا بر ضرورتی تأسیس گردیده و شروع به فعالیت کردند. این نهادها به مرور تکمیل، ترمیم، حذف یا زیر نظر یکی از ارگان‌های دولتی قرار گرفتند و به فعالیت پرداختند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲).

دوم- نهادهای انقلابی نهادهایی هستند که "در شرایط اول انقلاب" به "فرمان مقام رهبری" ایجاد گردیدند. نهادهای مزبور به دلیل ویژگی‌های خاص خود؛ نظیر مدیریت مشارکت مردمی، بافت مومن و متعهد، انعطاف مستضعف‌پذیری سازمانی و هماهنگی با سیاست‌های دولت در پاسخگویی به نیازهای انقلاب توانا بودند. اما از لحاظ حقوقی جایگاه و وضعیت مشخصی نداشتند (میرحسینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۰).

سوم- "نهادهای انقلابی" عبارت‌اند از بنیادها و مؤسساتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای صیانت و پاسداری از انقلاب اسلامی (مقام‌معتبر رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳: پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره)) و ترمیم بی‌توجهی به برخی از مسائل جامعه تشکیل گردیدند. به عبارت دیگر، به سازمان‌ها و بنیادهایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای "تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب" ایجاد شد، "نهادهای انقلابی" گفته می‌شود. بنابراین فصل ممیز نهادهای انقلابی از دیگر نهادها کارویژه و مأموریت این نهاد در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و پاسداری از انقلاب خواهد بود که قبل از این هم تحت عنوان مشابهی وجود نداشتند و در واقع از ساختارهای رایج کشور نیستند. به عنوان نمونه قوه قضاییه و یا اداره اوقاف قبل از انقلاب هم وجود داشتند و با توضیح پیش گفته مشمول عنوان نهاد انقلابی نخواهند بود. بنابراین می‌توان قائل به دو رویکرد حداکثری و حداقلی در تعریف نهادهای انقلابی شد:

رویکرد حداکثری:

مطابق رویکرد اول که رویکردی عام است مقصود از "نهادهای انقلابی" نهادها و مؤسساتی خواهد بود که در جریان تحقق انقلاب اسلامی و یا پس از آن به وجود آمده‌اند. به دیگر سخن ضرورت‌های وجودی تشکیلات در نظام اسلامی و تفاوت بین اهداف و عملکردهای دولت در نظام اسلامی با سایر نظام‌ها موجب تشکیل چنین نهادهایی گردید. مطابق این تعریف که بسیار موسع به نظر می‌رسد همه مؤسسات تشکیل شده در جریان انقلاب یا پس از آن نهادی انقلابی محسوب میگردند و ملاک دیگری برای انتساب آن‌ها به انقلاب و احتساب آن‌ها لازم نیست. بر این اساس لازمه انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت جدید و ضرورت اداره کشور در این برهه "نهادسازی" بوده، از این رهگذر نهادهایی که به این ضرورت تشکیل گردیده‌اند "نهاد انقلابی" هستند. مطابق همین مبنا، گروهی نهادهایی همچون شورایی نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دانشگاه‌ها، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان بازرسی کل کشور، می‌دانند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۷-۱۰).

اما به نظر می‌رسد که رویکرد حداکثری، تبیین درستی از "نهادهای انقلابی" نباشد. زیرا در تمام حکومت‌ها، پس از انقلاب و ایجاد حکومت جدید با توجه به تصدی (مسئولیت‌ها، نهادسازی و دیوان‌سالاری امری ناگزیر می‌نماید (ادیوب، ۱۳۷۵، ص. ۸۸) و ایجاد برخی از نهادها یا تنها تئوریزه کردن آن است و یا اینکه ربطی به انقلاب نداشته و ضرورت اداره امور بوده و در حکومت سابق نیز به

اشکال دیگری وجود داشته است، بدین صورت که تنها تحول کیفی در سیستم اداری آن انجام شده و یا اینکه رفع نقص گردیده است.

رویکرد حداقلی:

بر اساس رویکرد دوم باید "نهادهای انقلابی" را نهادهایی دانست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی "بنا به ضرورت انقلاب و برای صیانت و پاسداری از انقلاب و تحقق اهداف آن"، "به موجب قانون و تصویب نهادهای قانون‌گذاری" و همچنین "ترمیم بی‌توجهی به برخی از مسائل جامعه" و نه به ضرورت تشکیل حکومت جدید، تشکیل گردیدند و قانون‌گذار آن‌ها را به عنوان نهاد انقلابی شناخته باشد. به عنوان مثال ایجاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط شورای انقلاب در جهت حراست از انقلاب اسلامی و با خطمشی تقریباً مشابه (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۱) و گسترش جهانی آن مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی اصیل و حمایت از نهفت‌های رهایی‌بخش و حق‌طلبانه مستضعفان جهان تحت نظارت رهبری انقلاب (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۴) نمونه بارز "نهاد انقلابی" است. کمیته امداد امام‌خمینی(ره)، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تبلیغات اسلامی، جهاد دانشگاهی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شورایی عالی انقلاب فرهنگی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و بنیاد ۱۵ خرداد نمونه‌های دیگری از این نهادها به شمار می‌روند. این نهادها ممکن است ماهیت‌های مختلف حقوقی داشته باشند و منشأ ایجاد آن‌ها نیز اعم از قانون و آیین‌نامه و یا فرمان رهبری خواهد بود که به عقیده نگارندگان، قسم اخیر، تعریف صحیح از نهادهای انقلابی است؛ لکن رویکرد مقتن اینچنین نبوده و می‌باشد که در رویکرد حداقلی، نهاد انقلابی محسوب می‌شود لکن قانون‌گذار تمامی مصادیق مندرج در رویکرد حداقلی را نهاد انقلابی تلقی نکرده است. نمونه بارز آن نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد که در رویکرد حداقلی، نهاد انقلابی محسوب می‌شود لکن قانون‌گذار آن را همیشه در عرض عبارت نهادهای انقلابی آورده و در واقع آن را نهادهای مجزا تلقی نموده است. شایان ذکر است ارتش هم به دلیل اینکه ضروری هر حکومتی بوده و قبیل از انقلاب نیز وجود داشته نه از نظر قانون‌گذار عادی و نه در رویکرد حداقلی، انقلابی محسوب نمی‌شود. در ادامه و پس از احصای تجلیات تقنینی به تفصیل به مراد مقتن از نهادها خواهیم پرداخت.

همان‌طور که گفته شد؛ هدف از تشکیل چنین نهادهایی در ماهیت شان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از بین رفتند و نقص موجود در تشکیلات رژیم سابق یکی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲). به همین جهت این نهادها از لحاظ سازمان، امور استخدامی و معاملات و محاسبات مالی از استقلال و آزادی عمل بیشتری برخوردار شده و مقررات ویژه خود را دارا شدند.

مؤسسات و نهادهای انقلابی در همه زمینه‌ها اعم از امور فرهنگی و آموزشی و خدمات عمرانی و رفاهی فعالیت داشته و نام برخی از آن‌ها در فهرست مؤسسات عمومی غیردولتی آمده است (طباطبایی مومتنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۹).

شایان ذکر است پس از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی و ایجاد تورم نهادی و ساختاری در نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین موازی‌کاری و ناآآرآمدی این نهادها به نظر می‌رسد وجود و استمرار چنین نهادهایی چندان ضروری نبوده و لازم است که برخی از این نهادها حذف یا در هم ادغام شوند.

به عنوان مثال در زمینه حمایت از خانواده‌های شهدا و ایثارگران دو نهاد بنیاد ۱۵ خرداد و بنیاد شهید و امور ایثارگران ایجاد شده‌اند، در خصوص کاهش محرومیت و رفیع فقر نیز ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، کمیته امداد امام‌خمینی(ره)، بنیاد مستضعفان و سازمان بهزیستی تأسیس گردیده‌اند، همچنین سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی همزمان عهده‌دار ترویج فرهنگ اسلامی در کشور هستند.

۲- تجلیات تقنینی

پس از تبیین رویکردهای موجود در مورد "نهادهای انقلابی"،



شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خراسان رضوی
(بهایی خاص)

آگهی مناقصه

شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد ۰۹۰۰۰۰۹۴۴۰۲۰۰۱

شماره: ۱۳۷۱۲۸۰

نوبت اول

۱- منقذه اقرار: شرکت گاز استان خراسان رضوی

۲- موضوع مناقصه: تعمیر - ۲۵۰۰ کلاوتر معيوب

۳- شرط پل اوليه مناقضايان:

الف - دارا بودن گواهينامه صلاحيت ساخت/ تعمير و گلاوتر از وزارت نفت/ شرکت ملی گاز ایران

ثبت شده در سامانه مربوطه

ب - دارا بودن ظرفيت خالي ارجاع کار

ج - دارا بودن گواهينامه تأييد صلاحيت اخيمي از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعي

د - استعلام در سايت www.setadiran.ir و دريافت گواهي امضاي الكترونيكي

۴ - فعاليت پيشنهاها:

از تاريخي که براي تسليم آن در فراخوان ذکر شده تا مدت سه ماه مي بايست معتبر باشد.

۵ - مبلغ تضمين شرکت در فرايند ارجاع کار: ۱۳۵.۰۰۰.۰۰۰ ريال (سه ميليارد و يکصد و بيست و پنج ميليون ريال) مي باشد که مي بايست براساس يکي از تضمين قابل قبول اوليه و قيمت تضمين معاملات دولتي به شماره ۱۳۳۴۰۲۲۲۲۰۰۵۶۹۵۰۰۰۰ هـ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۳ و اصلاحيه پي از آن تهيه گردد و حاصل آن قبل از اخير مهلت ارائه پيشنهادهاي قيمت بصورت دستي تحويل دفتر خراست شرکت گاز استان خراسان رضوي واقع در مشهد، بلوار حيام، نيش تقاطع ارشد، طبقه همکف گردد.

رابط عموم، شرکت گاز استان خراسان رضوی

